

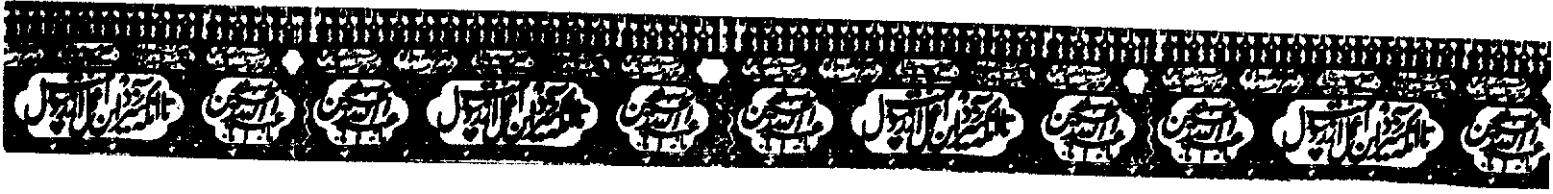
نقش عاشورای حسینی در تاریخ

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا شَهِيدَ يَا اَبْنَ الشَّهِيدِ يَا اَخَ الشَّهِيدِ وَ يَا اَبَا الشَّهِيدِ

*** عاشورا چشمه فیاض و جوشانی است که بارش عشق و ایمان و شعورو ایثار رابه صورت خون درجویبارهای جامعه و دررگهای فسرده نسلها جاری می کند و روح و حیات و حرکت در کالبد آنان می دهد.**

پیروزی را در انوش کند. عاشورا چشمه فیاض و جوشانی است که بارش عشق و ایمان و شعور و ایثار را به صورت خون در جویبارهای جامعه و در رگهای فسرده نسلها جاری می کند و روح و حیات و حرکت در کالبد آنان می دهد. آنچه واقعه عاشورا را به عنوان یک عامل قدرتمند روانی و انگیزه بخش انسانهای آگاه و دردمند و مبارز چنین دیر یا و مانا و جاوید کرده است ابعاد ایدئولوژیک، مکتبی و اعتقادی آن است. عامل مکتب و ایدئولوژی به عنوان یک عامل مؤثر و راهنما و تضمین کننده حرکت انقلابی، امروزه در سراسر جهان و در اکثر جنبشهای آزادیبخش شناخته شده است. اما در این میان تنها ایدئولوژی اسلام بوده است که چه بلحاظ تاریخی و چه به لحاظ عمق و جامع نگری اش نسبت به مسئله انسان برتری خود

حماسه خونبار و تاریخی عاشورا چیزی نیست که نیاز به معرفی و توضیح داشته باشد. در صحنه مبارزه حق و باطلی که درازی تاریخ بشریت را می پوشاند، واقعه عاشورا همچون ستاره ای تابناک و برجسته بر تارک این مبارزه می درخشد. هر مسلمانی که سر ستیز با ظالمان دارد از عاشورا الهام می گیرد و در مصیبت آن چنان خود را در می آمیزد که گویی که در صحنه کربلا و در مقابل یزیدیان حضور دارد و چنان عاشق و شیدای حسین (ع) و عباس می گردد که گویی آنان در کنارش برای نبرد با مستکبرین حاضرند و رهبری اش می کنند تا چگونه نبرد کند. - که یا بمیرد و شهید شود و یا شاهد



را بر همه مکاتب و مسلکهای دیگر به ثبوت رسانده است. حد اقل اگر همین ۱۰۰ ساله اخیر را در نظر بگیریم، به نقش حرکت زما و حیات بخش اسلام به عنوان یک ایدئولوژی و مکتب اعتقادی که با پوست و خون مردم به عنوان یک فرهنگ جوش خورده است پی می بریم. هر چند اجنبی زده های خود باخته و روشنفکرانی که مفلد و وارد کننده مکتبهای قالبی بوده اند، در نهنخانه تنگ و محدود و دود گرفته شان حرکت ها و نهضت های مذهبی مردم مسلمان ایران را به «واپسین نفسهای خرده بورژوازی» تعبیر می کرده اند.

مسئله اساسی و محوری در ایدئولوژی اسلام اعتقاد گرایش و حرکت انسان است به سوی ذات متعالی پروردگار. و در این میان وظیفه انسان است که در باره عاملی که در سر راه رشد و تکامل و تعالی انسان و در مسیر بسوی خدا قرار می گیرد و جامعه را به ظلم و فساد و فسق و فجور می کشاند به مقابله برخیزد تا قانون و حکم الهی بر جامعه حاکم گردد و زمینه رشد انسانها فراهم گردد. حماسه عاشورا در یک کلام چیزی جز اجرای اصل مذکور نبود.

به عبارت دیگر عاشورا تجسم و بیانگر ضمانت اجرایی شعار و ارزش مذکور بوده و هست. مبارزه با ظلم و ستم و بیداد جبارانی که با حکومت خود، چیزی جز قساوت و جنایت و استثمار و فساد به ارمغان نمی آوردند جان را برای آزادی انسانها از قید زنجیرهای اسارت و نابودی سلطه ستمگران فدا کردن، به اعتقاد نگرش اسلامی، زمینه، بستری، ستبر، و شرط ایمان به خدا و قرار گرفتن در مسیر رشد و تعالی است.

ارزشهای اسلامی ایثار و شهادت که پشتوانه نگرش و اعتقاد به خدا و با مبارزه عملی و رویاروی با نظام های ظالم و جابر فاسد تضمین می شود جوهره و اساس حرکت عاشورا را تشکیل می دهد. انسانهای مومن و موحدی که عاشق و شیفته خدایند و در شوق یک لحظه پرتو لطف الهی سر از پا نمی شناسند و جانشان برای پرواز بسوی او همچون مرغان سر بریده در خاک و خون غلتیده، پر می زنند، عاشورا و کربلا و حسین (ع) را الگوی خود می گیرند و راه و رسم او را شیوه زندگی خویش می سازند. زیرا در واقع عاشورا و کربلا و همچون اصحاب حسین (ع) جان و مال و خانمان را فدای آزادی و حریت کردن، گذرگاه پیوستن از خاک و پرواز به سوی جانان است.

انسانی که پاکی و طهارت و صداقت را و عدالت و قسط و مساوات را برای جامعه می خواهد و چشمانش وقتی که فقر و بدبختی و بیچارگی و

بیماری انسانهای مستضعف و مسکین و خاک الود را می بیند همچون دو کاسه خون می شود.

و قلبش از درد گونی می خواهد از جا کنده شود، حسین (ع) را و سر بریده اش را بر سر نیزه مجسم می بیند و هنگامی که در نظرش دست ابوالفضل به خاک افتاده پدیدار می شود، آنگاه اگر که بخواید مصداق معنای «انسان» باشد، تیغ از نیام بر می کشد و مشتها را گره می کند، دهان را تا می تواند، باز می کند و بر سر ستمگران و کاخ نشینان استعمار گر عیاش و شکمبارة دون صفت فریاد می کشد که هان ای زورمندان وزر پرستان مزور من یا بقیه یارانم یا تمامی حیثتم به مقابله شما آمده ام تا یا حضان را بگیریم و یا یا عزت و افتخار و شرافتمان به تاریخ و به انسانهای شرافتمندی که تن به زور و ظلم ندادند ببینندیم. اینک مانیم و شما و صحنه پیکار و مبارزه و جهاد ما جبهه حقیم و شما در جبهه باطل و هیچ سازش هیچگاه میان ما بر قرار نخواهد شد.

جان واقعه عاشورا که حیاتی جاوید دارد، همین مبارزه سازش ناپذیر میان مستضعفان و مستکبران

استقبال شهادت می رود تا به لقاء الله نزدیک گردد.

انسان وقتی به عاشورا می نگرد، با خود می اندیشد گونی خدا انسان را برای شهادت آفریده است تا خوش جاری و حیات تاریخ تضمین شود مگر نه اینکه در زیارت وارث می خوانیم السلام علیک یا ثار الله و ابن تاره، پس این خون شهید، خون خدا است که به عاریت در رگهای انسانهای موجود و مبارز و مصلح جریان یافته است تا آنکه در سر آمدی چنین به زمینی گرم بریزد و استمرار تکامل را ممکن گرداند.

اگر به بررسی نقش عاشورای حسینی در انقلاب اسلامی بشینیم، شاید تنها اشاره به همین مسئله شهادت کافی باشد تا به اهمیت آن پی ببریم زیرا همانطور که گفتیم شهادت رمز عاشورا، جان و روح عاشورا و مسئله اساسی این واقعه و حماسه ای تاریخی و اعتقادی است. در عاشورا همه ارزشها و مفاهیم معنوی و انسانی وجود دارد. عشق و ایمان به خدا، درک و شعور اجتماعی، خضوع، خشوع و ایثار، نفی وابستگی ها، عرفان و تقوی و پیکار....

*** آنچه واقعه عاشورا را به عنوان یک عامل قدرتمند روانی و انگیزه بخش انسانهای آگاه و دردمند و مبارز چنین «دیرپا» و «مانا» و جاوید کرده است ابعاد ایدئولوژیک مکتبی و اعتقادی آن است.**

اما آنچه که همه اینها را تحت الشعاع خود قرار میدهد، مظلومیت حسین (ع) و یاران اوست که چنان قلیل و اندک به هموردی خیل بسیار لشکریان یزید و ابن زیاد رفتند و چنین مظلومانه شهید شدند. سر امامشان به نیزه رفت، دست برادر امامشان قطع شد، شیرخوارشان تیر خورد، و زنان و کودکان و بیماران به اسیری گرفته شدند تا در دربار یزید ملعون ناظر خیزران یزید کشیف و بی شرم باشند که بر سر امام مظلوم و مطهر و شهید فرود می آید....

با این وجود تحمل همه اینها بهتر از زندگی در زیر بار زور و ظلم و ستم مستکبران و ذلت بارزیستن است. و این راهنمای عمل انسان های دردمندی است که از حاکمیت امریکا و دولتها و عناصر خائن و دست نشاند و مزدورشان به تنگ می آیند و بادهستهای خالی و مشتهای گره کرده به مقابله سلطه طلبان مسلح و سلاحهای پیشرفته می روند و بار دیگر همچون عاشورا، حماسه می آفرینند و اینبار

است. شعار شهادت من الذله که همچون تیری از طرف یاران و اصحاب امام حسین (ع) پرتاب شد تا جهان برپاست و تاریخ ادامه دارد به حرکت خود ادامه می دهد، امواج خروشان ملتها را در می نوردد و قلب سیاه ستمگران را شانه می رود و از آنها در می گذرد تا به قلب های سیاه دیگری و در مکانهایی دیگر فرورود.

اما آنچه که این مبارزه سازش ناپذیر را ضمانت می کند، آنچه که باعث میشود شعار نه سازش، نه تسلیم تا نهایت چون پتک بر سر و پیکر ترحیمان و جلادان و مردم فریبان فرود آید و آنچه که از عاشورا حماسه می سازد، آنچه که عاقلان و هوشیاران را به تحیر و میدارد، و آنچه که با منطق های مادی به تفسیر در نمی آید و آنچه که کل ارض را به کربلا تبدیل می کند، شهادت است و شهادت رمز عاشورا است.

اگر خدا انسان را آفرید تا اعتقادش نماید، انسان نیز با شهادتش و با خوش لبیک می گوید و به

ما نیامدیم که...

باید بالای سرش باشد لذا ایشان می فرمود هر شب به ما می فرمود هر شب وقتی ما پیش ایشان بودیم باید هر شب بیایید پای درس اخلاق من، تفسیر من یک ربع بنشینید این یک ربع تذکر قرآن و حدیث را بشنوید و بروید درستان را بخوانید والا اگر بنا باشد درس را بخوانید و این تذکرات اخلاقی و معنوی و قرآنی نباشد علم انسان را تاریک میکند ولو علم دین باشد انسان را غرور می گیرد چه برسد به علوم دیگر لذا شما برادران نیاز دارید نه شما بنده هم همینطور نیاز داریم به اینکه ما یک ماهی یک دفعه پانزدهمی یکدفعه یک جلسه ای فقط برای مسائل اخلاقی باشد، آن مسائل اخلاقی هم که من می گویم نه اینکه علمی، اخلاقی علمی یک مربی اخلاقی که انسان او را بخوبی می شناسد و حسن ظن به او دارد و آراسته شده بیاید برای برادران و خواهران موعظه کنند و این موعظه لازمه یک حرکتی انقلابی و اسلامی است، من این پیشنهاد را به شما می دهم بحدما... استان شما شهر شما غنی است از علماء، روحانیون نمایندگان همه اینها همه صلاحیتها را دارند و شما باید از این موقعیتها، امام جمعه محترمان همه بتوانید استفاده کنید و آقایان را بکار بکشید اگر

یک وقتی هم آقایان اینجا تشریف نیاورند بروید خانه هستند شما باید بروید بزور آقایان را بکار بکشید یک وقت هم نمی آیند البته من جسارت نکم آقایان که خودشان فعالند ولی برفرض یک وقت نباشد شما هم اینطور که من اینجا کار می کنم من را بکار انداختید والا این جز برنامه نبود که ما برای شما اینجا صحبت کنم بالاخره شما اینجا جمع شدید و اجتماع شما به من نیرو داد به جای اینکه من به شما نیرو بدهم شما به من نیرو دادید که من برای شما صحبت کنم امیدوارم این صحبتها هم برای من و هم برای شما مفید باشد اینکار را همیشه بکنید بالاخره این باغ و این جا و این جمع می شوند بالاخره پانزدهمی یک دفعه ماهی یک دفعه هر چه که شد خیلی از مسائل عمومی این مسائل خصوصی و اخلاقی را همیشه ادامه بدهید انشاء... و مفید است و من به شما قول میدهم که اگر این را ادامه بدهید یک عده برادران که برای آینده این مملکت ذخیره خواهید بود و پیام آورانی از انقلاب که بتوانید هم شهر و هم روستا را آباد کنید و ما بتوانیم یک کشوری آباد و آزاد و مستقل بسازیم انشاء...

نقش عاشورا...

در مقیاسی عظیم تر و در مرحله ای متکامل تر ثابت می کنند که خون برشمشیر پیروز است. و اینگونه است که عاشورا تکرار می شود مردم بالاهام از مکتب آزادی بخشی اسلام و قیام امام حسین (ع) شمار سرمیدهند که هیئات من الذله بادیکناتورها و متجاوزین و یامناققین و منحرفین به نبرد برمی خیزند و آنگاه که می شنویم «اماما، اما ما، ما اهل کوفه نیستیم، مگر امت بعیرد، امام تنها بماند، و عملا نیز شاهد وفاداری امت به امام خودشان در شرائط کونی هستیم، جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی ماند که ادعا کنیم محرم و کربلا عاشورائی متکامل تر در روند تاریخ مبارزه حق و باطل تکرار شده است و اینک همه آنان که زنده مانده اند، همچنان در حفظ این انقلاب اسلامی که در ادامه انقلابهای جهانی انبیا و قیام امام حسین (ع) و همه نهضت های شیعی - اسلامی قرار دارد بکوشند و مسئولیت هایش را در پاسداری از خون شهدا که عامل اساسی حفظ این انقلاب بوده اند به انجام رسانند.

والسلام

تعاونی ها پایان...

سؤال - به چه شکل و از کجا این تغییر فرهنگ را می توانیم شروع کنیم

پاسخ - فرهنگ اجتماعی بنظر من ضمن عمل و توضیح تغییر می کند الان ما یک مسئله را باید مورد توجه قرار دهیم و آن این است که فرهنگ اجتماعی را نه با عمل بدون توضیح می شود تغییر داد و نه با توضیح بدون عمل باید توضیح و عمل با هم در آمیزند تا جامعه تغییر بکند و خصلتهای جامعه عوض بشود با صرف گفتن خصلتها، قابلا عوض نمی شود، یک تغییر اراده و اندیشه موسمی نیست که دو مرتبه افراد را توی میدان بدون توضیح بیاوریم باز هم نمی شود، برای آنوقت هم باید با فشار ما اینها بروند بسوی یک عملی که آگاهانه نیست و نمی دانند چرا این کار را انجام می دهند اما اگر برایشان توضیح دادید و هم آنها را توی میدان عمل آوردید اینطور می شود که یک مرحله عمل، زمینه را برای مرحله بعدی عمل آماده می کند، توضیح بعدی اینها را تشویق می کند به عمل مرحله بعدی و همینطور می روند جلو، بنابراین ساختن جامعه و تغییر واقعی فرهنگ جامعه ما از طریق آمیختن توضیح و هدایت با عمل، خط همان توفیقی که به ایشان گفتیم.

والسلام

اخبار جهاد...

بخیه، ۸۸۹۰۰ مورد نسخه پیچی در روستا، ۲۶۰۵ مورد نسخه پیچی بیماراران جنگ زده و مستضعف، ۱۰ مورد آموزش بهداشت اولیه در سطح بعضی از روستاها، ۳ دوره آموزش دوره امدادگری، سه مورد جمع آوری و تفکیک داروهای اضافی منازل، ۳ مورد آموزش تفکیک دارو را صورت داده است. همکاری با بیمارستان ۲۲ بهمن و امام خمینی، همکاری با بهداشت محیط در امر ساختن توالت های بهداشتی روستائی، همکاری با اداره مالاریا، انتقال شهدا در ۱۲ مورد و اجساد فوت شده روستائی از شهر به روستا ۱۹ مورد، توزیع شیر در روستا ۱۱۰۰ قوطی و کمک غذا ۷۵۰ قوطی و ۱۸۷۰۳ لیتر امشی بین روستاها در جهت بهداشت، ایجاد خانه بهداشت و درمان در مرکز اندیکا (قلمه خواجه) که شامل قسمتهای داروخانه، تزریقات، پانسمان و سایر خدمات بهداشتی و درمانی، معرفی ۵۷۰۰ نفر از بیماراران مراجعه کننده روستائی و اعضاء جهاد به بیمارستانها و درمانگاههای شهر.

دو یادداشت از...

نشسته بودم و قبلا بهت گفتم که آن غم گنگ و مبهم و آشنا سراغم آمده بود. ناگهان خدا را دیدم. باور کن. باور کن. باور کن! دست نوازشگری را بر سرم احساس کردم خود را در زیر باران لطف بیدریغش یافتم، احساس کاذبی نبود هشیار بودم، کاملا. باور کن. او را لمس کردم. بی تاب شدم. طاقت نیاوردم. بخاک افتادم. سجده کردم. میخواستم فریاد بزنم و گریه. گریه گریه.... بیش از هر زمان دیگر او را بخود نزدیک احساس می کردم اقرب من جبل الوریید. نفسم تنگی می کندلیم را دردی عظیم می فشارد و من هم چنین دست او را بر سرم احساس می کنم حالت غریبی است. و کاش تو می توانستی بفهمی. از آن حالت های نادری است که خیلی کم سراغ آدم می آید. من در خودم شبیه آنرا کم داشته ام. این بود که قلم و کاغذ برداشتم و نوشتم.

والسلام
احمد